

تعلیم زبان

نگارش آقای منوچهر وارسته

دبیر محترم زبان فرانسه در دبیرستان نظام

موسیقی از نظری صنعت و از نظری یکی از دقیق ترین علوم ریاضی است ولی در وهله اول باید ملاحظه نمود که موسیقی زبان است و از حیث قوه ناطق و امکان بیان احساسات درونی از جمله زبانها کامل تر و بالاتر است. یازده سال تجربه و آزمایش اسلوب های مختلف تدریس بر نگارنده این سطور محقق ساخته که بهترین اسلوب تدریس زبان همان اسلوب تدریس و تحصیل علمی موسیقی است. بنابراین میتوان گفت که تحصیل زبان تحصیل فن است نه تحصیل علم و مانند جمیع فنون و صنایع ۹۰ درصد انتخاب راه و روش کار در حصول نتیجه دخالت دارد و حال آنکه دزمررد تحصیل علم با آنکه انتخاب راه صحیح و اسلوب درست همواره موثر است ولی بهیچوجه قابل مقایسه با صنایع نمیباشد.

آموختن یک زبان متضمن ورزش و تمرین گوی و دهان و چشم و دماغ است چنانچه هر یک از این اعضاء بنوبه خود منفرداً و گاه متجداً تمرین و ورزش کنند تحصیل زبان فوق العاده سهل است ولی اگر از تمرین یکی از آنها غفلت شود وصول بمقصود مشکل خواهد بود و چنانچه تمرین غلط و بی رویه باشد هر قدر بیشتر کوشش کنیم از مقصود دورتر خواهیم رفت. این کیفیت در تحصیل موسیقی عملی بخوبی دیده میشود و در زبان نیز بهمین منوال است و ورزش کوش در وهله اول قابل اهمیت است ولی معلم باید کوشش را برای شنیدن اصوات بطور صحیح آماده و مهیا کند یعنی کوشش او را مستعد جاب دقایق گرداند. قبل از آنکه کوشش بقدر کافی تمرین کرده باشد تمرین دهان چندان فایده ندارد. چنانچه کسی بخواهد فقط با کار چشم و دماغ زبانی را فرا گیرد یک قرن کار لازم است و بالاخره زبان را ناقص خواهد دانست. بدیهی است در مورد کسی که فقط زبان را بمنظور استفاده از کتب علمی آموخته و قادر بر تکلم نیست فقط چشم و دماغ ورزیده است و زبان برای او علم است و کسی که تنها تکلم زبانی را میدانند فقط کوشش و زبانش کار کرده، و مانند کسی است که فقط نواختن یکی از آلات موسیقی را بطور غلط و ناقص و بدون آشنائی بخط موسیقی (نوت) آموخته باشد.

خلاصه برای آموختن زبان و هر یک از شعب صنعتی و بالاخره برای فرا گرفتن راه کار باید کاملاً روفی دستورات معلم بانجربه عمل نمود، و بزرگترین بدبختی و اشتباه محصلی که بفرا گرفتن زبان بایکی از شعب صنعتی علاقمند باشد ایست که بگوید:

« این شخص عجاایه بقدری که بمن بیاموزد میدانند » یا آنکه بگوید:
این معلم بقدری که در سال اول متوسطه تدریس نماید میداند » غافل از آنکه معلم شاگرد مبتدی در رشته صنعتی مخصوصاً در تمام رشتهها عموماً باید نهایت مهارت راداشته باشد و باصول تدریس آشنا و آزموده و تجربه دیده باشد. محل شبهه نیست که در این مورد بخصوص

ادای وظیفه درسال ششم متوسطه فوق العادسهل وآسان است ولی **ادای وظیفه** (نه تدریس مطلق) در سال اول متوسطه کاری مشکل و پر مسئولیت است. اگر معلم دوره اول متوسطه از این لحاظ کاملاً بوظیفه خود عمل کند و شاگرد را درراه مستقیم دلالت نماید معلم دوره دوم متوسطه هیچگونه اشکالی نخواهد داشت ولی متأسفانه درعمل بعات اشکالات بسیاری برخلاف این روبه است.

نگارنده مشغول تهیه تنظیم يك مدد در روی این زمینه میباشد: این مدد شامل يك كتاب شاگرد و يك كتاب معلم است در كتاب اخير هم قسم دستور برای دلالت شاگردان مخصوصاً درسالهای اول ودوم متوسطه دانه میشود. معلم تا تجربه كامل نداشته باشد نتیجه تدریس اسلوب های مختلفه را خود درعمل ندیده باشد نمیداند چقدر فرق است بین آنکه در روی تخته بنویسد:

Un grand Crayon

Un petit crayon

یا اینکه مداد فیلی زرکی دريك دست ومداد خیلی کوچکی در دست دیگر گرفته و در موقعیکه آنها را بشاگرد نشان می دهد با حرکات مناسب چشم و صورت و آهنگ مخصوص صدا از لحاظ زیر و بم بودن که حاکی از بزرگی و کوچکی باشد بگوید:

C'est un grand crayon

و

C'est un Petit Crayon

و این جمله ها را در روی تخته بنویسد که شاگردان بطرز نقاشی و شبیه نویسی از روی آن بنویسند و چقدر فرق است بین اینکه جزوه بدست طفل بدهیم که در آن اعضای صورت انسانی با معانی آن بفارسی نوشته شده باشد و یا آن که در روی تخته صورت مضحکی نقش کنم که هر عضو آن بیک رنگ باشد و اعضاء را باقید رنگ در حال نشان دادن در روی شکل اصدای بلند تلفظ کنیم. در این صورت سهولت هرچه تمامتر هر قسم شاگردی مخصوصاً وقتی که خرد سال باشد جمیع نکات راجع باعضاء صورت و الوان را یاد می گیرد و از فرا گرفتن آن خسته نمیشود و ای در صورت اول باید با تهدید و تنبیه و پس از صرف وقت زیاد چند لغت بشاگرد خرد سال آموخت. بحث در این مورد و مثال های مختلف زیاد است که در کتاب معلم با ذکر عال معرفة النفسی آن بتفصیل بیان خواهم کرد و این طرز تدریس و اختلاف آن با اسلوب های دیگر بدان ماند که بکودکی بگوئیم قلب بفلان صورت هندسی است و در طرف چپ سینه قرار دارد و یا آنکه شکل قلب را بانوشت انگشت در ناحیه قلب طفل قدری با فشار رسم کنیم و دست او را در روی قابش نهاده و او را بوجود آن قائم کنیم. تا تاثیر حرکت انگشت با فشار شکل و محل قلب را بطور ابد در خاطر طفل باقی میگذارد ذیلاً چند نکته مهم را که در کتاب معلم بطور تفصیل شرح داده شده تذکر می دهیم:

۱ - خط و اهمیت آن

کتاب و جزوه و اسباب کار شاگرد

برخلاف معتقدات بعضی از متجددین و معلمین بی تجربه حسن خط اهمیت بسیار دارد نه تنها از لحاظ زیبایی آن که البته در مقام خود اهمیت بسیار دارد بلکه حسن خط تاثیرات دیگری دارد که باید طرف توجه معلم باشد: مطالبی که شاگرد باخط واضح و زیبا مینویسد در ذهن او میماند، املائی که شاگرد با خط درست و خوانا مینویسد در خاطر او نقش می بندد. بطور کلی معلم باید

کاری کند که شاگرد جمیع وسایل را جمع بکار خود را دوست بدارد. در وهله اول خود معلم و بعد کتب و سایر لوازم کار را. ارسطو میگفت این یکنفر شاگرد من از تدریس من استفاده نمیکند زیرا مرا دوست نمی‌دارد. معامی که شاگردش از دیدار او منزجر و بیزار است با بدیقین بداند که نخواهد توانست در روح او تأثیر نموده و چیزی با او بیاموزد. برخلاف معامی که طرف علاقه و اعتقاد اخلاقی شاگردان خرد میباشد با آنکه دارای اطلاعات بسیطه نیست مفید میباشد.

تجربه نشان داده است که ۹۸ درصد شاگردان دقیق و ساعی دارای کتب و دفاتر نظیف میشوند و لوازم کار خود را با جان و دل دوست میدارند، برخلاف شاگردان لاابالی که از کتاب و جزوه خود خبر ندارند و اگر داشته باشند پاره و کنیف است.

اگر شاگرد نجیب و دقیقی را می بینید که بسیار نظیف و با سابقه است ولی شاگرد برجسته نیست یقین بدانید که این مورد نادراست و نقص او علت ظنی دارد. خلاصه باید شاگرد تمام لوازم کار خود را دوست بدارد و آنها را نظیف نگاه بدارد و درشت و واضح و شمرده و خوانا در بالای خط بنویسد بطوریکه تمام حروف متکی بر روی خط باشند.

۲ - آموختن دستور زبان

معمولاً برای تعلیم دستور و قاعده زبان معامین دماغ و کمی گوش شاگرد را بکار میاندازد ولی بطور کلی در این مورد دماغ حقیقه کار نمی‌کند و به همین جهت شاگرد باین قسمت زبان علاقه ندارد و کار او تقریباً در اکثر موارد بی نتیجه است برخلاف آموختن دستور زبان از راه چشم و گوش خیلی مفید تر است یعنی عوض آنکه شاگرد حفظ کند :

Les noms terminés au singulier par al changent au pluriel al en aux

با دقت بدستور ذیل نظر کند

| | | |
|-------------|------|--------------------|
| Le cheval | مفرد | اسم (دستور کلی) |
| Les chevaux | جمع | |

از اینرو شاگرد خودش می فهمد که هر اسمی که در مفرد به al ختم شده در جمع al مبدل میشود به aux یعنی بعنت اختلاف حروف فوراً تصویر ذهنی برای شاگرد حاصل میشود و باینج مرتبه باند تلفظ کردن Cheval - Chevaux که در حقیقت تمرین گوش است قاعده ذهنی میشود و به همین طریق میتوان تمام قواعد زبان و مستثنیات آنرا آموخت و شاگرد تنها بسهوات دستور های زبان را یاد می‌گیرد بلکه برخلاف سابق باین قسمت زبان علاقه مند میشود.

۳ - دیکته و املاء

در این مورد حقیقه اکثر معامین زبان راخی بخطا میروند. دیده‌اید که شاگرد مدت شش سال دیکته مینویسد بالاخره در سال ششم متوسطه در یک دیکته ساده عدّه زیادی غلط‌های عجیب میکند زیرا در تمام این مدت توجه اوجاب نشده است.

املائی کلمه یعنی ریخت و ترکیب کلمه، صورت و ترکیب اشخاصی در نظر انسان میماند که بعانتی جلب توجه کرده باشند (زیبائی - زشتی) - منتهای ادب - کمال خشونت - زبادی

کمال و معرفت - فرط نادانی و جهالت و امثال آنها) معلم باید کاری کند که نظر و توجه شاگرد را در مورد ترکیب کلمه جلب نماید. باید از سال اول متوسطه جمیع لغاتی را که باید شاگرد بیاموزد در روی تخته با خط درشت و خوانا بنویسد. تخته را باید مانند صفحه کاغذ خط کشی نمود که شاگرد به بیند در کجای خط بنویسد. دستوردادن فایده ندارد باید شاگرد با چشم خود به بیند. در موقع نوشتن کلمه باید آن جزئی از کلمه را که نکته املائی دارد با کج رنگی نوشت و شاگرد را وادار نمود که همانطور با مرکب قرمز بنویسد مثال :

Conscience (حروف c دوم و e و c سوم باید رنگین نوشته شود)

بدین طریق املائی کلمه با کار چشم در ذهن شاگرد می ماند و در بعضی موارد باید کار گوش را هم توأم نمود چنانکه نوشته شود:

Préférence - Circonstance

وینچ مرتبه با صدای بلند گفته شود:

Préférence ence
Circonstance ance

در اینصورت بمحض اینکه گفته شود Préférence در ذهن شاگرد گفته میشود. باید شاگرد را عادت داد که آنچه را می نویسد بفهمد و برای این منظور باید موضوع دیکته جالب توجه باشد و در تمام مدت بوسیله بعضی توضیحات کاری کند که شاگرد در انتظار درک بقیه مطالب باشد و جمیع قواعدی که شاگرد برای نوشتن دیکته احتیاج دارد باید بطریق مذکور در فوق تذکر داده یکی دوروز قبل باید موضوع دیکته را نقل نموده و لغات مشکل آنرا بطریق فوق نوشت و در روزیکه معلم دیکته را میگوید جداً مراقبت کند و متوقع باشد که تمام شاگردان آنرا درست بنویسند و در حقیقت دیکته را بطور امتحان بدهد. جزوه دیکته باید کاملاً نظیف باشد. در کلاس شاگرد در روی صفحه دست چپ مینویسد و بعد از اتمام دیکته معلم آنرا با خط واضح در روی تخته مینویسد و شاگرد با مرکب قرمز خودش اصلاح میکند بعد همان دیکته را در صفحه دست راست یا کنویس میکند. منتها در موقع یا کنویس کردن اجزائی از کلمه را که در صفحه دست چپ غلط نوشته بود با مرکب قرمز مینویسد با این ترتیب اطمینان میدهم که با نوشتن بیست دیکته در تمام دوره تحصیلی شاگرد در امتحان سال ششم متوسطه بیش از ۵ غلط نخواهد کرد.

یکی از بهترین وسایل برای پیشرفت و آموختن املاء رونویسی است ولی رونویسی با دقت: شاگرد باید با خط شمرده و واضح از روی قطعه بنویسد و پس از نوشتن دفعه آنرا بخواند و از خود سؤال کند: اگر این را بمن دیکته کرده بودند کدام حروف را ممکن بود غلط بنویسم « در زیر آن حروف خط مضاعف قرمزی بکشد. اگر لفظ Anonyme را نوشته البته در زیر y خط خواهد کشید و اگر لفظ Adolescent را نوشته در زیر حروف c و t غلط خواهد کشید. این قسم رونویسی فوق العاده مفید است و معلم چند ساعت وقت خود را در هفته بیهوده بدیکته گفتن صرف نخواهد کرد. مقتضی است همین رویه را در مورد دیکته فارسی هم عملی نمود و قتیکه شاگرد غلط های خود را بطریق ذیل یا کنویس کرد حتماً آن غلط ها را تکرار نخواهد کرد. البته در موقع یا کنویس کردن در کلمه انصاف حرفص را قرمز خواهد نوشت و در کلمه عقار حروف ع و ق را .

۴- موضوع نوشتن و تأثیر نقل حکایات

امروزه معمولاً در مدارس ما تا اواسط سال چهارم متوسطه شاگرد عباراتی را از فارسی به فرانسه ترجمه میکنند (کار بیهوده) و یکدفعه معلم دستور می‌دهد شرحی راجع بههار یا فصل دیگری بنویسند و یا منتظره جبال البرز را شرح دهند (۱) و یا بالاخره مراسلهٔ بقلان مضمون بنویسد. شاگرد هم در روی ورق یا ده‌ای چند سطر می‌نویسد و معلم در زیر آن نمرهٔ خوب یا بدی می‌گذارد و شاگرد بهیچوجه نمی‌داند عیب یا حسن موضوع او که اغلب پدر یا رفیقش نوشته در کجاست! این رویه بکلی غلط و بی‌فایده است شاگردی که از سال اول متوسطه عادت نکرده است مطالب بسیار مختصری را شرح دهد (هنوز نمی‌تواند بگوید چگونه راه می‌رود - برای خروج از اطاق چه میکند - برای دخول در اطاق چه میکند - چگونه غذا می‌خورد - چگونه کلی را می‌چیند - وقتی در طرف دیگر خیابان رفیق خود را می‌بیند برای صحبت با او چه میکند - برای خوابیدن چه میکند - برای رفتن بشمیران چه میکند) البته نمی‌تواند توصف فصول را بکند. باید از سال اول متوسطه شاگرد را در حدودی که مقتضیات سن او اجازه می‌دهد بتعقل و تحقیق جزئیات وادار نمود مثلاً او را متوجه کرد که برای راه رفتن باید قدمهای متوالی برداشت برای برداشتن یکقدم باید سه کار کرد: اول پا را از زمین برداشته آنرا بطرف جلو برده آنگاه قدم را بروی زمین گذاشت. باید بمرور در ضمن چهار سال اول این قبیل توصیفات را مشکل تر و مفصل تر نمود تا شاگرد بهسولت بتواند همه چیز بنویسد. محل شبهه و تردید نیست شاگردی که بمرور از سال اول متوسطه با این قسم تمرینها عادت نکرده و مخصوصاً قوهٔ تعقل و مشاهدهٔ او نمو نکرده است نمی‌تواند اوضاع مختلفهٔ فصول را با آن نظر مخصوص بشکود که بتواند شرح آنرا بدهد. وی همانقدر می‌داند که زمستان سرد و تابستان گرم است آنها را هم با یکی دو جمله معیوب می‌گوید.

از همه مهمتر طرز اصلاح تکالیف است: شاگرد باید جزوهٔ تمیز مخصوص کم قطری برای این قسم تکلیف خود داشته باشد. موضوع را در روی صفحهٔ دست چپ باخط درشت و واضح بنویسد. بازرده قسم غلط ممکن است شاگرد در ضمن نوشتن موضوع کرده باشد قبلاً هر قسم غلطی را معلم بوسیلهٔ نمرهٔ مخصوصی معین میکند و صورت آن نمرات را شاگردان در پشت جزوهٔ خود نوشته و حفظ دارند بطریق ذیل:

نمرهٔ (۱) یعنی کلمه غلط املائی دارد

نمرهٔ (۲) یعنی اشتباه در تذکیر و تانیث شده.

نمرهٔ (۳) یعنی زمان فعل غلط است

نمرهٔ (۴) یعنی صفت با موصوف خود مطابقه نکرده و با فعل با فاعل خود

نمرهٔ (۵) یعنی مفرد است باید جمع باشد و یا برعکس . . . الخ

وقتی شاگرد جزوهٔ خود را از معلم پس می‌گیرد عدّهٔ نمرات در روی کلمات او گذاشته شده بر طبق آن نمرات تکلیف خود را خود با مر کب فرمز اصلاح نموده و مانند دیکته در روی صفحهٔ دست راست یا کدویس میکند و باین طریق ممکن نیست غلط و اشتباهی که سابقاً داشته دوباره تکرار کند. نتیجهٔ این قبیل کار را جز در عمل نمیتوان فهمید.

معلم باید عدّهٔ زیادی حکایات شیرین و اخلاقی بداند که بوسیلهٔ نقل آنها برای شاگردان بکمک حرکات و اطوار زیاد نظر آنها را جلب نموده در روی موضوع آن حکایات با شاگردان

مکالمه کند و آنها را وادار کند که حکایات نقل شده را بطریق مذکور در فوق بنویسند. در سال سوم و چهارم متوسطه این کار مفید ترین تمرین ها و بیش از هر چیز طرف رغبت و میل شاگردانست. ضمناً باید معلم کتب شیرین و اخلاقی در اختیار خود داشته باشد که گاهگاه برای تفریح شاگردان و برای تمرین ایشان که از کنفرانسها استفاده نمایند قرائت کند. هر قدر کتاب مشکل باشد میتوان آنرا بوسیله حرکات و اطوار مخصوصی با تغییر آهنگ صدا بشاگردان فهمانید. از سال پنجم بعد میتوان شاگرد را بنویشتن موضوعهای مفصل و بسط و تشریح افکار برجسته واداشت بشرط آنکه نامدنی نقشه کار بانها داده شود.

۵ - دوازده نمره تکلیف

نگارنده این سطور دوازده قسم تکلیف مختلف تعمیم کرده که بوسیله تمرین آن ها شاگردان در دوره اول متوسطه جمیع مقدمات زبان را فرامیگیرند. این تمرین ها که برخی کتبی و بعضی شفاهی و دسته کتبی و شفاهی میباشد مانند ورزشهای بدنی مختلفی هستند که هر یک قسمتی از بدن را ورزیده نمایند مثلاً :

تکلیف نمره ۱ عبارت از ۱۲ دوره مشق های صوتی هستند که در روی هر دوره شاگرد باید مدت یک ماه هر روز صبح تمرین کند با این تمرین ها هر کس میتواند هر زبانی را با بهترین تلفظ بیاموزد و اگر نظیر این تمرین ها را در آموختن زبان فارسی باهالی نقاط مختلفه وطن خود مجری داریم دیگر اهالی آذربایجان پس از ۵۰ سال تکلم زبان فارسی **گ** را **ق** و **ق** را **گ** تلفظ نخواهند نمود (؟) بدون این قسم تمرین صوتی باشکال میتوان دوسه زبان اجنبی آموخت و عموماً تلفظ زبان های لاحق در نحت تاثیر زبان اول و اقم میشوند و علاوه بر این اغتشاش و اختلاطی در ذهن حادث میشود که گاه لغات زبانی را بجای لغات دیگر ذکر میکنند و این عیب ناشی از عدم تمرین کافی دهان و گوش است.

شاگردان ایرانی اغلب ضمائر مفعولی را غلط استعمال میکنند و میگویند:

Je dis à lui

اگر اغلب محصلینی که دوره متوسطه را تمام کرده اند سؤال کنید : « **من بدانها گفتیم** » را بفرانسه چه میگویند . . . تمرینهای مخصوصی است که در مدت یکی دو ماه کاملاً شاگردان را باین قبیل ضمائر آشنا میکند.

نکته بسیار مهم دیگر آن است که امروزه شاگردان بهیچوجه مشق جمله سازی نمیکند (تصور نشود که ترجمه کار جمله سازی را میکنند) رجوع کنید بکتاب معلم دستور نگارنده ملاحظه خواهید فرمود چگونه بوسیله مشق های مختلف جمله سازی شاگرد در مدت دو سال بدون هیچگونه ترجمه جمیع اقسام جمله را در ضمن آموختن افعال تمرین میکند و بدین طریق جمله های فارسی را عبارات زشت فرانسه تبدیل نمی کند بلکه اصولاً طرز فکر و بیان او مثل اهل زبان می شود. حقیقه چگونه می توان از شاگردی که بهیچوجه جمله سازی نکرده توقع موضوع نوشتن را داشت؟

۶- کارنظام - جاب توجه

در کلیه امور و مخصوصاً در رشته های صنعتی و زبان توفیق کامل بستگی بکار صحیح دارد یعنی کیفیت کار شرط است نه کمیت آن. باید قوای اشخاص را درست دانست و مطابق قوه

و حوصله آنها تکلیف داد خسته کردن شاگرد درد بیدارمانی است که بالمره مانع پیشرفت شاگرد میشود. پنجاه صفحه مشق نوشتن و لغتی را دوپست مرتبه نوشتن از دستورهای لغوی می باشد که جز بیزار کردن شاگرد تفری ندارند. مگر در دینده ام که بعضی از معلمین بیچاره دوره ابتدائی کودکان خرد سال را وادار میکنند که از روی غلط های دیکته خود دوپست مرتبه بنویسند (!) تعجب نکنید اگر بعد از آن کودکان املای همان کلمه را ندانسته و از معلم خود و تکالیف او بیزار و گریزان باشند.

نکته ای که شاید ذکرش برای بعضی محصلین مزدگانی بزرگی باشد آنست که اصولاً قوای دماغی شاگردان باهم چندان فرق ندارد چیزی که هست شاگردی که بنظر هوشیار و برجسته می آید راه کار کردن را می داند و شاگردی که بعقیده خود و بشهادت کسانی از متتهای کوشش خود دریغ نمیکند ولی معهدا بر قوای خود نمیرسد متاسفانه راه کار کردن را نمی داند و عبارته آخری کار غلط میکند غلط کار کردن هم بستگی بعوامل چندی دارد که بعضی از آنها در نتیجه توارث بوده و علل طبیی دارد. حقیقت امر آنستکه شاگردیکه برجسته و هوشیار بنظر میرسد کار با توجه میکند و شاگردیکه کاهل و دیر فهم معرفی شده بدون توجه کاری را انجام میدهد.

تمام مردان بزرگ و توابع عالم کسانی بوده اند که با توجه بسیار کار میکرده اند یعنی تمام اشعه فکر آنها بیک نقطه متمرکز و متوجه بوده. روایات زیادی که راجع بحواس پرتی این دانشمندان و نوابغ نقل میکنند شاهد این موضوع است. جمیع اختراعات و اکتشافات در سایه توجه زیاد بوده اکثر معجزات زائیده توجه بسیار است معجزه مرموز عشق فقط توجه زیاد در مورد محبت است چیزیکه مجهول است علت و کیفیت ایجاد این توجه فوق العاده است. اصولاً میتوان گفت وجود علاقه است که موجب توجه میشود.

معلم حقیقی کسی است که بشحقیق بداند در مورد هر کس بچه طریق می توانند این علاقه را ایجاد نماید. تصور کنید اشعه خورشید که بر روی عدسی کوچکی می تابند پس از تمرکز و توجه بیک نقطه چه حرارت و قوتی تحصیل میکند. دماغ بشر مانند چراغی است که اشعه آن به اطراف می تابد هر قدر انسان بتواند بوسایلی این اشعه را بیشتر تمرکز و توجه دهد قوت آن بیشتر خواهد شد:

این کار با معلمین کلاهای ابتدائی و سال اول متوسطه است که شاگردان خود را بکار با توجه عادت دهند.

بدبختانه اغلب این معلمین که متاسفانه و ناچاره در صد و شاید اگر راه اغراق نرفته باشم صد در صد مردمان مغالط و بدبختی هستند که فقط برای تحصیل قوت لامبوتی باین کار اشتغال دارند نسبت باین وظیفه خود غافل و نادان می باشند و شاگرد در این مرحله از تحصیل خود مانند ماشین ناقل الصوتی بیش نیست. در کتاب معلم دستورهای مفید و گرانهایی برای جاب توجه و فکر شاگرد داده شده و چنانچه ثابت شده مراعات جزئیات یکی از بهترین وسایل جاب توجه میباشد. شاگردیکه از سال اول متوسطه زیاد مقید باشد که حتماً نقطه روی حرف را بگذارد بیقین از گذاردن آکسانها و علامات جمع و تانیث غفلت نخواهد کرد. کار درست و منظم و با توجه. کار با مراقبت و نظیف انعکاس فوق العاده در روحیه و ساختمان فکری شاگردان دارد.

در محبت راجع بخط شمه از تاثیرات زیبایی و نظافت خط ذکر شد این مختصر گنجایش

آن را ندارد که این تاثیرات را در تمام رشته تحصیلات شاگرد و در زندگانی او بکایک شرح دهم که چنین شاگردی تا چه اندازه در تحصیل هندسه و رسم ملخصات هندسه ر قومی و تریسمی بر رفقای خود تفوق خواهد داشت و تا چه اندازه در امور زندگانی خود از لحاظ نظم و ترتیب با دیگران فرق خواهد داشت . در مورد موضوع نوشتن شمه از مزایا و محاسن مشق تعقل و ملاحظه و خرده بینی را تذکر دادم. تصور بفرمائید. شاگردیکه بدین طریق تحصیل کرده باشد در مدت تحصیل و در دوره زندگانی خود چه قدر با دیگران فرق خواهد داشت و تا چه حد دقیق خواهد بود و مخصوصاً در زندگانی ساجشوری تا چه پایه باریک بین و دقیق و عاقبت اندیش خواهد بود. در موقع اقدام با امری تمام جوانب و اطراف کار را بدقت خواهد نگریست و با اصطلاح در هیچ موقع بی کداز با آب نمیزند. در زندگانی اجتماعی مراعات جمیع مقتضیات را خواهد کرد. با نظر بصیرت بمصالح زندگی خود و بوظایف خویش در مقابل وطن خود خواهد نگریست و بالاخره این روشن بینی در کلیه امور زندگانی او دخالت تام خواهد داشت.

پروگرام عملیات ورزشی روزیکشنبه ۲۲-۷-۱۳

در دبیرستان شاهرضا در حضور دستشورقین و رجال ایران

از طرف دبیرستان دولتی فردوسی و شاهرضا و دبستانهای دولتی

- ۱ - خواندن يك قسمت از اشعار فردوسی توسط بك محصل
- ۲ - سرود پاینده باد از طرف دبیرستان شاهرضا و دولتی فردوسی
- ۳ - دقیقه « « «
- ۴ - ورزش با بیرق از طرف دبیرستان فردوسی و دبستانهای دولتی
- ۵ - سرود یزدان بزوه - - -
- ۶ - یکس سواره از طرف دبستانهای دولتی
- ۷ - سرود خاک ایران از طرف دبیرستان شاه رضا (۱۲) نفر
- ۸ - پرش - والی بال « « دولتی فردوسی و شاه رضا
- ۹ - باسکت بال از طرف دبیرستان فردوسی (۲۶) نفر
- ۱۰ - باسکت بال « « شاهرضا (۱۰) نفر
- ۱۱ - سرود « « دبستانهای دولتی
- ۱۲ - بازی گونی از طرف دبیرستان شاهرضا (۱۰) نفر
- ۱۳ - بازی مقاومت طناب ۱ نفر از دبیرستان دولتی و ده نفر از شاهرضا
- ۱۴ - سرود ملی ایران (بطور مسابقه و بنفع دبیرستان فردوسی خاتمه یافت) از طرف کلیه شاگردان

توضیح آنکه (۳۳۶) نفر شرکت کنندگان در جشن ورزش از محصلین مدارس دولتی

بوده است و (۳۸) نفر از دبیرستان شاه رضا فقط شرکت داشته اند.